

سبک زندگی ساکرونا و بسط سرمایه اجتماعی

فریبرز بیات

در مدرسه‌ها و استفاده دانش‌آموزان از رسانه‌های اجتماعی مخالفت می‌کردند و زیرساخت‌های لازم را برای آموزش دیجیتال و از راه دور فراهم نکرده بودند، اکنون سخت به تکاپو افتاده‌اند که از قافله علم و فناوری و آموزش و پژوهش عقب‌نمانند.

جهان پسا کرونا سبک زندگی اجتماعی جدیدی را شکل داده است. از یک سو، محدودیت‌های اجتماعی و فاصله‌های فیزیکی را افزایش داده است. اما این فاصله فیزیکی نه تنها به فاصله اجتماعی و تنهایی دامن نزده است که برعکس، نوع جدیدی از نزدیکی‌ها و تعاملات عاطفی و صمیمی را افزایش داده است. یکی از مهم‌ترین چنین آثاری را در حوزه خانواده شاهدیم. حضور اعضا در خانواده کمتر بود، گفت‌وگوهای صمیمی به حداقل رسیده بود و به‌ویژه در کشورهای غربی خانه تا حدود زیادی به «خوابگاه» تبدیل شده بود. اما جهان پسا کرونا بازگشتی دوباره به خانه محسوب می‌شود و احیای مناسبات و روابط گرم و صمیمی خانوادگی را موجب شده است.

سبک زندگی پسا کرونایی حتی به جدایی محل کار و خانه پایان داده، به طوری که حالا کار از خانه، برای بسیاری امری طبیعی شده است. برخی حتی این موضوع را دور از انتظار نمی‌دانند که در آینده برخی کارکردهای اقتصادی به نهاد خانواده بازگردد. البته احیای خانه و مناسبات خانوادگی، از آنجا که رویکرد و نگرش جدیدی را می‌طلبد و به درک متقابل و گذشتن از فردگرایی و خودخواهی نیاز دارد که با تمرین و ممارست و به مرور زمان به دست می‌آید، بدون مسئله و مشکل نبوده است. به همین دلیل گزارش‌های اولیه حاکی از افزایش مشاجرات و اختلافات خانوادگی و حتی طلاق بعد از دوران جدید و حضور بیشتر افراد در خانه است. اما هرچه زمان بیشتر می‌گذرد و مهارت‌های ارتباطی زندگی جمعی افزایش

یورگن هابرماس، جامعه‌شناس و فیلسوف اجتماعی معاصر، اخیراً طی مصاحبه در مورد پیامدهای همه‌گیری (اپیدمی) جهانی کرونا گفته است: «کرونا باعث شد ما بفهمیم چقدر نمی‌فهمیم.» به تعبیر دیگر در دوران کرونا، دنیایی که ما خیال می‌کردیم آن را می‌شناسیم، فرو ریخت و آنچه را که برخی به‌عنوان رویای نظم نوین جهانی در سر می‌پروران در هم شکست. اکنون جهان در شرف نوعی پارادایم شیفت و تغییرات بنیادی در رویکردها، جهت‌گیری‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌ها در تمام حوزه‌های زندگی اجتماعی قرار گرفته است. کرونا قبل از هر چیز و بیش از پیش به همه دولت‌ها و ملت‌ها گوشزد کرد که ما در جهانی به هم پیوسته زندگی می‌کنیم و همچنان که مزایا و منافع این جهان و پیشرفت‌های علمی، فنی، فناورانه، و نیز بهداشتی و آموزشی می‌تواند به سرعت جهانی و فراگیر شود، مخاطره‌ها، بحران‌ها و نابسامانی‌ها نیز چهره‌ای جهانی دارند و امنیت، آسایش و آرامش کشورهای غربی مرکز و توسعه یافته را همان اندازه تهدید می‌کنند که اوضاع کشورهای پیرامون و در حال توسعه را.

جهان پسا کرونا بیش از پیش رسانه‌ای شده است. رسانه در این جهان دیگر نه تکنیک و فن که زبان و بستری است که زندگی اجتماعی در آن جریان می‌یابد. اغلب افرادی که پیش از این با دیده شک و تردید به رسانه‌های نوین می‌نگریستند، اکنون ناگزیر از تجدید نظر شده‌اند. چرا که در منع و محدودیت‌ها و فاصله‌گذاری‌های پسا کرونایی، کار، تحصیل و فراغت به راحتی و بدون مخاطره در فضای دیجیتال و رسانه‌ای انجام می‌شوند. به همین دلیل بسیاری از نظام‌های اجتماعی که پیش از این سیاست منع و محدودیت با پارازیت را در مورد رسانه‌ها پیگیری می‌کردند، اکنون به تجدید نظر و بازنگری جدی سیاست‌های خود پرداخته‌اند. نظام‌های آموزشی که با توسعه اینترنت

پیدا می‌کند، از این مشکلات نیز به میزان قابل توجهی کاسته می‌شود. افزایش تعاملات و روابط اما به دایره‌خانواده محدود نمی‌شود. روابط همسایگی نیز در سبک زندگی پساکرونایی مورد تجدید نظر قرار گرفته و تقویت شده است. در مواردی حتی از اختلاف‌ها و تنش‌های پنهانی گذشته کرده‌ایم. همچنین روابط دوستی تحکیم و تقویت شده و روابط گسسته تجدید شده‌اند. اکنون ما با دوستان قدیمی خود بیشتر تماس می‌گیریم و جویای احوالشان می‌شویم. در جهان پساکرونا روش‌ها و سبک‌های فرهنگی کهنه شده دستخوش رنسانس شده‌اند. اکنون افراد وقتی تلفن می‌زنند، به جای پیام‌گیر صدای اصلی صاحب‌خانه را می‌شنوند. به قولی، کرونا فرهنگ مکالمه‌های طولانی تلفنی را همراه آورده است. از چنین منظر، پیام‌ها ناگهان معنایی تازه یافته‌اند. انسان‌ها بار دیگر ارتباط با یکدیگر را جدی گرفته‌اند. فرهنگ «در دسترس بودن و تعهدات متقابل» دوباره زنده شده است. سبک زندگی پساکرونایی حتی فرهنگ فراغت را تغییر داده است. جوانانی که معمولاً از چنگال شتاب و اضطراب‌هایی نداشتند، ناگهان قدم‌زدن‌های طولانی را آغاز کرده‌اند؛ کاری که پیش‌تر با آن کاملاً بیگانه بودند. جوانان و میان‌سالانی که سقف حوصله و تمرکزشان پایین بود و تماشای فیلم و گوش دادن به موسیقی را ترجیح می‌دادند، اکنون با مطالعه و کتاب دوباره آشتی کرده‌اند و کتاب خواندن به فرهنگ روز و یکی از گزینه‌های اصلی گذران اوقات فراغت تبدیل شده است.

به‌طور کلی، در سبک زندگی پساکرونایی صمیمیت، محبت و روابط توأم با کمک و خیرخواهی افزایش قابل توجهی پیدا کرده است. خودخواهی‌ها و نفع‌طلبی‌ها برای بیشتر مردم جای خود را به هم‌پاری، تعاون و از خودگذشتگی و نوع‌دوستی داده است. البته این بدان معنی نیست که همه متحول شده‌اند و به‌طور کلی خودخواهی و فردگرایی جای خود را به دگرخواهی و جمع‌گرایی داده است. چرا که در همین وضعیت نیز شاهد حرص و ولع عده‌ای در کشورهای غربی و هجوم و غارت فروشگاه‌ها و سودجویی و احتکار اقلام و کالاها و بهداشتی در برخی کشورها بوده‌ایم. اما چنین مواردی به هیچ وجه به تصویر کلی سبک زندگی انسان‌دوستانه، جمع‌گرایانه، گرم، صمیمی و عاطفی که به وجود آمده است، صدمه نمی‌زند.

سبک زندگی پساکرونایی با چنین اوصافی از منظر جامعه‌شناختی به معنی افزایش چگالی روابط و پیوندهای اجتماعی عام‌گرایانه است. چنین روابط و تمایلات دوستانه و صمیمانه‌ای موجب می‌شوند، شمار دوستان افزایش یابد و از دایره غریبه‌ها و بیگانه‌ها کاسته شود. حاصل چنین وضعیتی گسترش دامنه حسن ظن و اعتماد اجتماعی، تداوم روابط دوستانه و در نتیجه، افزایش تعاون اجتماعی است. تعاون اجتماعی در معنای اخیر چیزی جز مشارکت مدنی نیست. با افزایش چگالی و فراوانی روابط دوستانه در عرض جامعه، زمینه برای افزایش خیر عمومی، و تولید و نگهداری کالاهای عمومی در جامعه مهیا می‌شود. به علاوه تعهدات عمومی کنش‌گران اجتماعی نسبت به دیگران و جامعه افزایش می‌یابد [چلبی، ۱۳۷۵: ۱۵۷].

گسترش روابط تعاونی واقعی در عرض جامعه، شرایط عینی را برای افزایش مودت اجتماعی فراهم می‌آورد. همین‌طور گسترش این‌گونه روابط به‌صورت مانعی عینی در مقابل نابرابری‌های اجتماعی عمل می‌کند و اثر کاهنده‌ای بر نابرابری‌های اجتماعی دارد. به عبارت کلی‌تر، بسط

روابط تعاونی به نوبه خود موجب کاهش تضادهای ارزشی و توزیعی در جامعه می‌شود. چنین تمایلات عاطفی عام‌گرایانه‌ای موجب می‌شوند، افراد با سوگیری برابر و عادلانه به روابط اجتماعی نظر کنند و به اصطلاح همه را به یک چشم بنگرند. به همه نیکی و احسان کنند و به همه انسان‌ها عشق بورزند. بسط و گسترش روابط صمیمانه و مبتنی بر ضوابط و معیارهای عام باعث افزایش کمک‌های دوجانبه، تعهد و احساس مسئولیت مشترک نسبت به همه شهروندان و منافع و خیر اجتماعی می‌شود.

در ادبیات جامعه‌شناختی از چنین آثار و پیامدهایی که بر سبک زندگی پساکرونایی مترتب است، به‌عنوان بسط سرمایه اجتماعی نام برده می‌شود. **پوتنام** سرمایه اجتماعی را مجموعه ارتباطات افقی بین افراد و شبکه مدنی می‌داند که واسط بین هنجارها و اجرای قوانین جامعه است و موجب جلب و حفظ اعتماد افراد نسبت به روابط اجتماعی و اعتبار قوانین می‌شود و می‌تواند با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ، کارایی جامعه را بهتر کند [پوتنام، ۱۳۸۰: ۲۵۱]. از دیدگاه او، منابع سرمایه اجتماعی، مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها، معمولاً خود تقویت‌کننده‌اند و به تعادل اجتماعی با سطح بالایی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت مدنی و رفاه جمعی منجر می‌شوند. برعکس، فقدان این ویژگی‌ها در جوامع غیرمدنی به عهدشکنی، بی‌اعتمادی، فریب و حيله، بهره‌کشی، انزوا و رکود منجر می‌شود [همان، ص ۳۰۳].

کلمن نیز سرمایه اجتماعی را منبعی اجتماعی - ساختاری تعریف می‌کند که دارایی و سرمایه افراد محسوب می‌شود. این دارایی شیء واحدی نیست، بلکه ویژگی‌هایی است که در ساختار اجتماعی وجود دارند و باعث می‌شوند، افراد با سهولت بیشتری وارد کنش اجتماعی شوند [کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۷]. کلمن سرمایه اجتماعی را به وسیله کارکردش تعریف کرده است. به نظر او، سرمایه اجتماعی هنگامی ایجاد می‌شود که روابط میان اشخاص به شیوه‌ای تغییر یابد که کنش را آسان سازد. بنابراین، سرمایه اجتماعی شیء واحدی نیست، بلکه جنبه‌های متفاوت ساختار اجتماعی را در برمی‌گیرد که کنش فردی و جمعی را ترویج می‌کند.

در مجموع این نوع از سبک زندگی، با تقویت و تحکیم حسب اجتماعی و با بسط و توسعه روابط گرم، دوستانه و صمیمانه، تمایلات عام‌گرایانه‌ای چون عاطفه عام، تعهد عام، اعتماد عام را تقویت کرده است. به علاوه، رشد تعاون و مشارکت اجتماعی به بسط و تقویت سرمایه اجتماعی منجر شده است. اما زندگی در جهان جدید پساکرونا همچنان که برخی از جامعه‌شناسان گفته‌اند، زندگی توأم با مخاطره است و ما باید مهارت زندگی با مخاطراتی چون کرونا را بیاموزیم و بین لذت‌انگیزی و اعتماد این جهان جدید و نگرانی از خطر و مخاطره تعادل برقرار کنیم، البته نقطه تعادل زندگی در جهان پساکرونا قطعاً با قبل از آن یکی نیست، در اینجا ما با بازاندیشی مداوم و تعادلی پویا در زندگی اجتماعی روبه‌رو خواهیم بود.

منابع

۱. چلبی، م. (۱۳۷۵). تحلیل اجتماعی در فضای کنش. نشر نی. تهران.
۲. پوتنام، ر. (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی. ترجمه محمد تقی دلفروز. نشر سلام. تهران.
۳. کلمن، ج. (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری. نشر نی. تهران.